

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرم (۱)



شماره پایان نامه: ۹۳۵۵۰۱

دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی

گرایش علوم قرآن و حدیث

عنوان :

ترجمه و تحقیق تفسیر نور الثقلین (نیمه اول جزء هفتم)

استاد راهنما:

دکتر قاسم بستانی

استاد مشاور:

دکتر سید یوسف محفوظی موسوی

نگارنده :

سید خلف موسوی

خرداد ماه ۱۳۹۳

این پژوهش و تلاش ناچیز، تقدیم می شود:

به آخرین فرستاده ی خدا، برترین الگوی بشریت تا روز جزا، حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله)

به وصی و جانشین برحق رسول و به همسر پاکش زهرای بتول (علیهم السلام)

به رسولان راستین هدایت و ستارگان درخشان آسمان امامت و ولایت

و تقدیم: به همه ی رهپویان علم و عمل، عالمان دین و بالخصوص خدمتگزاران قرآن مبین

تقدیر و تشکر:

بی شک تلاش در راستای فهم و مفاهیم عالی قرآن کریم و درک معانی والای آن توفیق بزرگی است که نصیب نگارنده شد تا با بررسی و پژوهشی دوباره در آیاتی از تفسیر نورالثقلین، از نور بیان اهل بیت (علیهم السلام) در خصوص قرآن کریم بهره مند گردم.

پس به پاس این توفیق عظیم، خداوند رحمان و رحیم را شکر گزارم.

همچنین از اساتید فرهیخته ی خود که با صبر و حوصله مرا در نگارش این رساله یاری نمودند، کمال تشکر را دارم.

تشکر از استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر قاسم بستانی که بدون "راهنمایی" ایشان، این تحقیق به سرانجام نمی رسید و همچنین تشکر از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر سید یوسف موسوی محفوظی که "مشاوره" ی ایشان در این مسیر بسیار ثمر بخش بوده است.

در آخر بر خود لازم می دانم تا زحمات دلسوزانه و خالصانه ی جناب آقای دکتر علی مطوری و سرکار خانم دکتر شمخی و همه ی اساتید گروه که در طول دوره ی کارشناسی ارشد، از محضرشان بهره برده ام را ارج نهاده و صمیمانه ترین تقدیرها و تشکرها را اهدا می نمایم.

فصل اول: کلیات..... ۲

بیان مسئله..... ۴

سوالات تحقیق..... ۴

فرضیه‌های تحقیق..... ۴

اهداف تحقیق..... ۵

اهمیت و ضرورت تحقیق..... ۵

روش تحقیق..... ۵

پیشینه تحقیق..... ۶

فصل دوم: آیات ۸۲ تا ۱۲۰ سوره مائده..... ۷

مقدمه..... ۸

آیه ۱: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ..... ۸

آیه ۲: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ..... ۱۶

آیه ۳: «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَ لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا..... ۱۶

آیه ۴: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ..... ۴۰

آیه ۵: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ..... ۴۰

آیه ۶: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ..... ۵۲

آیه ۷: «لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ..... ۵۳

آیه ۸: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ..... ۵۶

- آیه ۹: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَ..... ۵۸
- آیه ۱۰: «أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَ طَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَ..... ۸۶
- آیه ۱۱: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَ..... ۹۰
- آیه ۱۲: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»..... ۹۵
- آیه ۱۳: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءَ..... ۹۷
- آیه ۱۴: «مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَ لَا سَائِبَةٍ وَ لَا وَصِيلَةٍ..... ۱۰۵
- آیه ۱۵: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ..... ۱۰۸
- آیه ۱۶: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ..... ۱۱۰
- آیه ۱۷: «يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ..... ۱۲۲
- آیه ۱۸: «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ..... ۱۲۵
- آیه ۱۹: «وَ إِذِ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا..... ۱۲۸
- آیه ۲۰: «إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ..... ۱۲۹
- آیه ۲۱: «قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا..... ۱۳۳
- آیه ۲۲: «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزَّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ..... ۱۳۳
- آیه ۲۳: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ..... ۱۳۶
- آیه ۲۴: «وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ..... ۱۳۹
- آیه ۲۵: «مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ..... ۱۳۹
- آیه ۲۶: «قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ..... ۱۴۳
- فصل سوم: آیات ۱ تا ۳۵ سوره انعام..... ۱۵۲
- مقدمه..... ۱۵۳

- آيه ٢٧: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ.....» ١٥٣
- آيه ٢٨: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَ.....» ١٦٦
- آيه ٢٩: «وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ فِي الْأَرْضِ.....» ١٧٥
- آيه ٣٠: «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ.....» ١٧٧
- آيه ٣١: «وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَ لَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا.....» ١٧٨
- آيه ٣٢: «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَ لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ.....» ١٧٨
- آيه ٣٣: «قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ.....» ١٨٢
- آيه ٣٤: «مَنْ يُصِرْفَ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ.....» ١٨٣
- آيه ٣٥: «وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ.....» ١٨٤
- آيه ٣٦: «قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ.....» ١٨٥
- آيه ٣٧: «الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا.....» ١٩٤
- آيه ٣٨: «ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَ اللَّهُ رَبُّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ.....» ١٩٥
- آيه ٣٩: «انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ.....» ١٩٥
- آيه ٤٠: «وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمُّ وَ بُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ.....» ١٩٥
- آيه ٤١: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ وُفِّقُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا.....» ٢٠٥
- آيه ٤٢: «بَلْ بَدَأ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ.....» ٢٠٥
- آيه ٤٣: «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّى.....» ٢٠٨
- آيه ٤٤: «وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ.....» ٢١٠
- آيه ٤٥: «قَدْ نَعَلِمُ إِنَّهُ لِيَحْزُنَكَ الَّذِي يَقُولُونَ.....» ٢١٣
- آيه ٤٦: «وَ لَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا.....» ٢١٣

نتیجه گیری..... ۲۲۴

فهرست منابع..... ۲۲۷

چکیده انگلیسی..... ۲۳۹

نام خانوادگی : موسوی	نام: سید خلف	شماره دانشجویی: ۹۱۵۵۵۳۱۵۱۰۸
عنوان پایان نامه : ترجمه و تحقیق تفسیر نور الثقلین نیمه اول جزء هفتم		
استاد/ اساتید راهنما: دکتر قاسم بستانی		
استاد/ اساتید مشاور: دکتر سید یوسف موسوی محفوظی		
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: الهیات و معارف اسلامی	گرایش: علوم قرآن و حدیث
دانشگاه: شهید چمران اهواز	دانشکده: الهیات و معارف اسلامی	گروه: علوم قرآن و حدیث
تاریخ فارغ التحصیلی :		تعداد صفحه: ۲۳۹
کلید واژه ها : تفسیر روایی، ترجمه و تحقیق، رجال شناسی، نور الثقلین		
چکیده:		
<p>تفسیر نورالثقلین که از منابع معتبر تفسیری شیعه می باشد و در بردارنده ی بیش از سیزده هزار روایت تفسیری است. در این کتاب تفسیری، مفسر گاهی تعداد زیادی از آیات را با هم تفسیر و در تفسیر آیه تنها بخشی از آیه را که دارای روایت تفسیری بوده است نقل و از ذکر قبل و بعد آن و دیگر آیاتی که روایتی در تفسیر آن نرسیده و یا در دسترس وی نبوده است خودداری کرده است؛ بنابراین تعداد زیادی از آیات در این کتاب تفسیر نشده و اکثر آیات تفسیر شده نیز کامل نمی باشند.</p> <p>با توجه به جزء بررسی شده (هفتم) در گزینش روایات، روش مرحوم حویزی به این صورت بوده است که او اگر حدیثی را در منبعی می یافت که فاقد سند باشد؛ آن منبع را رها کرده و همان حدیث را از منبعی دیگر که سند را ذکر کرده روایت می کند؛ گاهی روایات را تقطیع و گاهی روایتی را که در تفسیر یک آیه آمده در تفسیر آیه ای دیگر می آورد و در انتخاب منبع، به منابع شیعه بسنده کرده است و شاید علت این گزینش شرایط محل زندگی حویزی که در شیراز باشد که در قرن یازدهم از پایگاه های علمی ایران بشمار می آمد. با وجود اینکه تفسیر نورالثقلین را از جمله تفاسیر روایی به حساب آورده اند اما با بررسی این تفسیر معلوم می شود که حویزی در آن ، صرفاً به نقل روایت نپرداخته است، بلکه او در انتخاب منابع، و ترجیح روایات مسند بر غیر مسند، انتخاب موضوعی روایات، تقطیع و جابجایی روایات در روشی هدفمند به اعمال نظر پرداخته که در واقع بر این اساس می توان زمینه هایی از اجتهاد را در این تفسیر مشاهده نمود.</p> <p>حویزی در ذکر اولین حدیث از هر منبع، نام آن منبع را نوشته است و به همین خاطر با وجود اینکه سند برخی از روایات را بیان نکرده اما ذکر منبع را می توان از نقاط قوت تفسیری وی و جبران کننده ی ضعف سند، دانست.</p> <p>در مجموع به علت مسند بودن اکثر روایات، مورد وثوق بودن راویان حدیث، عدم مغایرت احادیث معیارهای نقد حدیث می توان تفسیر نور الثقلین را از کتب معتبر تفسیر شیعه بر شمرد و اکثر روایات آن را در تفسیر آیات پذیرفت.</p>		

قرآن کریم آخرین و کاملترین کتاب آسمانی خداوند متعال است که در بر دارنده تمام مفاهیم دین مبین اسلام است «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۵۹) هیچ تر و خشکی نیست، مگر اینکه در کتاب آشکار ثبت است، اما با این وجود این کتاب پر اهمیت مشتمل بر آیات کلی و مجمل نیز می باشد که نیاز به تبیین و تفسیر دارند.

روایات نقل شده از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) می تواند در این زمینه راهگشا باشد؛ چرا که نبی مکرم اسلام که جز وحی عرضه نمی کند «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۴ و ۳) و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید! * و هر آنچه بر زبان می آورد یقیناً وحی است؛ ایشان کتاب خدا و اهل بیت خود را به عنوان دو امانت گرانبها در میان مسلمین معرفی می نمایند که بیانگر همین مطلب است.

کتاب تفسیر نورالتقلین، اثر ماندگار فقیه و محدث امامی، عبدالعلی بن جمعه حویزی از مفاخر منطقه هویزه ی خوزستان است.^۱ که از معتبرترین منابع تفسیری شیعه به شمار آمده و در بردارنده ی بیش از سیصد هزار روایت تفسیری است. از اساتید حویزی می توان به سید نعمت الله جزایری اشاره نمود و مسلک و روش ایشان همانند استادش اخباری گری بود.

مؤلف این ذیل آیات به جمع آوری و بررسی روایات مربوط به آن پرداخته است. البته در این تفسیر شیوی مؤلف اینگونه است که در مواردی فقط برای بخشی از آیات روایاتی را نقل کرده و یا از ذکر روایات برای

^۱ - عقیقی بخشایشی، عبد الرحیم، طبقات مفسران شیعه، انتشارات نوین اسلام، ۱۳۸۳ ق، ص ۵۷۳.

پاره‌ای از آیات دیگر خود داری نموده که البته ممکن است به آنها دسترسی نداشته و یا در آن زمینه روایتی وجود نداشته باشد.

مرحوم حویزی در در نقل روایات از منابع به این صورت عمل کرده است که بار اول منبع مربوط به روایت را ذکر می‌نماید و در صورتی که دوباره از همان منبع استفاده می‌کند از عبارت «باستناد» و «فیه» استفاده نموده و از ذکر منبع و سند خودداری می‌کند. در صورتی که در سند روایات ذکر شده دارای ناسازگاری باشند نیز مؤلف تنها به ذکر و تبیین آن پرداخته و در مورد آن داوری ننموده است.

از آنجایی که این کتاب در حوزه کتب تفسیری شعیه از اهمیت بسزایی برخوردار است و نیز این کتاب ارزشمند، فاقد ترجمه می‌باشد، لذا ترجمه و تحقیق پیرامون این اثر ارزشمند می‌تواند مفید و برای پژوهشگران عرصه قرآن مثمر ثمر باشد.

در این پایان نامه، روایات مربوط به نیمه ی اول جزء هفتم (آیات سوره مائده از آیه ۸۲ تا آخر سوره و سوره انعام از ابتدا تا آیه ۳۵) مورد تحقیق و ترجمه قرار گرفته است.

فصل اول:

کلیات

بیان مسئله

تفسیر نقلی یکی از روش های مهم فهم قرآن است و تفسیر نور الثقلین نیز یکی از تفاسیر جامع نقلی است که در بر گیرنده اکثر روایت های تفسیر شیعی در تفسیر قرآن می باشد و از آنجا که این تفسیر فاقد ترجمه و تحقیق است و با توجه به آسیب هایی که متوجه روایت های تفسیری است، این پایان نامه در جهت رفع نواقص بالا نگاشته می شود و تلاش می گردد اسناد و متون احادیث آن بررسی شوند تا ایرادات و اشکالات متوجه این احادیث از حیث سند و متن، تبیین گشته و ترجمه ای قابل فهم از آن ارائه گردد.

سوالات تحقیق

- ۱- با توجه به بخش بررسی شده (نیمه اول جزء هفتم) در گزینش روایات، روش حویزی به چه صورت بوده است؟
- ۲- روایات ذکر شده در این بخش از جزء هفتم کتاب نور الثقلین از حیث سند چگونه می باشند؟
- ۳- روایات گردآوری شده در این بخش از نگاه تبارشناسی چگونه اند؟

فرضیه های تحقیق

- ۱- مؤلف کتاب تفسیر نور الثقلین صرفاً به گرد آوری روایات پرداخته و از اجتهاد و تفسیر شخصی اجتناب نموده است.
- ۲- تفسیر نور الثقلین نمونه ارزشمند از نوع تفسیر روایی است که در آن روایات با توجه به آیات دسته بندی شده اند.

اهداف تحقیق

۱- ترجمه و تحقیق بخش اول جزء هفتم قرآن کریم از کتاب تفسیر نور الثقلین.

۲- بررسی سند و متن حدیث و ذکر آیات مربوط به احادیث.

۳- ویراستاری انشایی متن عربی از حیث استفاده از نقطه و ویرگول و دو نقطه.

اهمیت و ضرورت تحقیق

فهم قرآن کریم از آنجایی که در برگیرنده دستورات الهی و شرع مقدس اسلام است دارای ارزش و اهمیت فراوانی میباشد. تفاسیر قرآن می تواند در زمینه درک و فهم بهتر این کتاب الهی راه گشا باشند؛ و از آنجایی که کتاب ارزشمند تفسیر نور الثقلین به صورت روایی بوده بدین خاطر دارای ارزش بیشتری می باشد چرا که شرح و تبیین آیات را از مفسران و تبیین گران واقعی کلام الهی، که همان پیامبر اکرم(ص) و خاندان مطهر ایشان می باشند؛ گرد آوری نموده است. لذا پژوهش و تحقیق در زمینه این کتاب ارزشمند دارای ارزش بسزایی است.

روش تحقیق

روش تحقیق کتابخانه‌ای است. محقق در این تحقیق ابتدا متن حدیث را ترجمه نموده و سپس متن و سند آن مورد نقد و بررسی قرار می دهد و آن احادیث را با منبع اصلی و نیز دیگر منابع شیعی و سنی مورد مقایسه قرار داده و تبار شناسی می کند تا وضعیت متن و سند احادیث به خوبی روشن گردد .

این موضوع به طور مستقیم برای نخستین بار در دانشگاه شهید چمران اهواز به صورت جزء جزء توسط دانشجویان کارشناسی ارشد و به تدریج در حال انجام شدن است. از منابعی که در تحقیق این تفسیر می‌توان استفاده کرد، می‌توان به منابع زیر اشاره نمود: تفسیر قومی، تفسیر التبیان، تفسیر مجمع البیان، اصول کافی، التهذیب، بحار الانوار می‌باشند.

فصل دوم:

(آیات ۸۲ تا ۱۲۰ سوره مائده)

در این فصل به بررسی آیات ۸۲ تا ۱۲۰ سوره مائده پرداخته خواهد شد که علاوه بر ترجمه آیات و روایات ذیل آن به بررسی سندی و تبارشناسی روایات نیز پرداخته خواهد شد. قابل ذکر است که مؤلف برخی از روایات را در ذیل چند آیه آورده و یا اینکه برخی از آیات را بدون ذکر روایتی رها نموده است.

آیه ۱: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَ رُهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» (مائده/۸۲) بطور مسلم، دشمنترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت؛ و نزدیکترین دوستان به مؤمنان را کسانی می‌یابی که می‌گویند: «ما نصاری هستیم»؛ این بخاطر آن است که در میان آنها، افرادی عالم و تارک دنیا هستند؛ و آنها (در برابر حق) تکبر نمی‌ورزند).^۱

احادیث تفسیری:

۱/۳۱۶/۲- فی تفسیر علی بن ابراهیم: و اما قوله: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ» قَالُوا: إِنَّا نَصَارَى فانه كان سبب نزولها انه لما اشتدت قریش فی اذی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و أصحابه الذین آمنوا به بمكة قبل الهجرة أمرهم رسول الله صلی الله علیه و آله أن یخرجوا الی الحبشة، و أمر جعفر بن أبی طالب ان یخرج معهم، فخرج جعفر و معه سبعون رجلاً من المسلمین حتی ركبوا البحر، فلما بلغ قریشا خروجهم بعثوا عمرو بن العاص و عمارة (۶۶۱/۱)^۲ ابن الولید الی النجاشی لیردهم إلیهم، و كان عمرو و عمارة متعادیین، فقالت قریش: کیف نبعث رجلین متعادیین؟ فبرئت بنو مخزوم من جنایة عمارة، و برئت بنو سهم من جنایة عمرو بن العاص، فخرج عمارة و كان حسن الوجه شاباً

^۱ - ترجمه آیات، از ترجمه قرآن: مکارم شیرازی، ناصر، چاپ دوم، قم، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۳۷۳ ش، می‌باشد.

^۲ - شماره نخست سمت راست، به تعداد احادیث تفسیری مذکور در کل تحقیق، شماره دوم پس از آن، به تعداد احادیث تفسیری مذکور در یک سوره بنابر شماره مأخذ و شماره اخیر به تعداد احادیث مذکور ذیل هر آیه اشاره دارد.

لازم به یادآوری است که در مأخذ این تحقیق، برخی از احادیث شمارش نشده اند و بالتبع، در این تحقیق نیز، شمارش نشده اند تا از این حیث تساوی وجود داشته باشد.

^۳ - شماره نخست سمت راست داخل پرانتز به شماره مجلدی که این متن از آنها گرفته شده و شماره دوم به صفحه آن اشاره دارد.

مترفاً، فأخرج عمرو بن العاص أهله معه، فلما ركبوا السفينة شربوا الخمر فقال عمارة لعمرو بن العاص قل لاهلك تقبلنى، فقال عمرو: أيجوز هذا سبحانه الله؟ فسكت عمارة فلما انتشا عمرو و كان على صدر السفينة فدفعه عمارة و ألقاه فى البحر فتشبث عمرو بصدر السفينة و أدركوه و أخرجه فورردوا على النجاشى و قد كانوا حملوا اليه هدايا فتقبلها منهم فقال عمرو بن العاص: ايها الملك ان قوما منا خالفونا فى ديننا و سبوا آلهتنا و صاروا إليك فردهم إلينا، فبعث النجاشى الى جعفر فجاءه فقال: يا جعفر ما يقول. هؤلاء؟ فقال جعفر: ايها الملك و ما يقولون؟ قال يستلون ان أردكم إليهم، قال: ايها الملك سلهم أعبيد نحن لهم؟ فقال عمرو: لا بل أحرار كرام، ثم قال: فسلمهم ألهم علينا ديون يطالبونا بها؟ قال: لا ما لنا عليكم ديون، قال: فلکم فى أعناقنا دماء تطالبونا بذحول فقال عمرو لا، قال. فما تريدون منا؟ آذيتمونا فخرجنا من بلادكم، فقال عمرو بن العاص ايها الملك خالفونا فى ديننا و سبوا آلهتنا و أفسدوا شبابنا و فرقوا جماعتنا فردهم إلينا ليجمع أمرنا فقال جعفر، نعم ايها الملك خالفناهم بعث الله فينا نبيا أمرنا بخلع الأنداد و ترك الاستقسام بالأزلام و أمرنا بالصلوة و الزكاة. و حرم الظلم و الجور و سفك الدماء بغير حقها. و الزنا و الربا و الميتة و الدم و لحم الخنزير و أمرنا بالعدل و الإحسان، و إيتاء ذى القربى و ينهى عن الفحشاء و المنكر و البغى، فقال النجاشى، بهذا بعث الله عيسى بن مريم عليهما السلام ثم قال النجاشى: يا جعفر هل تحفظ مما أنزل الله على نبيك شيئاً؟ قال: نعم. فقرأ عليه سورة مريم فلما بلغ الى قوله: «وَهُزَّى إِلَيْكَ جِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا فَكُلِي وَ اشْرَبِي وَ قَرِي عَيْنًا» (مريم/٢٥)، فلما سمع النجاشى بهذا بكى بكاء شديداً و قال، هذا و الله هو الحق فقال عمرو بن العاص، ايها الملك ان هذا مخالف لنا فرده إلينا، فرفع النجاشى يده فضرب بها وجه عمرو ثم قال اسكت و الله لئن ذكرتَه بسوء لأفقدنك نفسك. فقام عمرو (١/٦٦٢) ابن العاص من عنده و الدماء تسيل على وجهه و هو يقول: ان كان هذا كما يقول ايها الملك فانا لا نتعرض له و كانت على رأس النجاشى وصيفة له تذب عنه، فنظرت الى عمارة بن الوليد و كان فتى جميلا فأحبتته فلما رجع عمرو بن العاص الى منزله قال لعماراة: لو راسلت جارية الملك؟ فراسلها فأجابته، فقال عمرو: قل لها تبعث إليك من طيب الملك شيئاً فقال لها فبعثت اليه فأخذ عمرو من ذلك الطيب و كان الذى فعل به عمارة فى قلبه حين ألقاه فى البحر، فأدخل الطيب على النجاشى فقال: ايها الملك ان حرمة الملك عندنا و طاعته علينا و ما يكرمننا إذ دخلنا بلاده و نأمن منه الا نغشه و لا نريبه و ان صاحبي هذا الذى معى قد راسل حرمتهك و خدعها و بعثت اليه من طيبك، ثم وضع الطيب بين يديه فغضب النجاشى و هم بقتل عمارة ثم قال: لا يجوز قتله فإنهم دخلوا بلادى بأمان.

^١ - ذكر آدرس آيات داخل احاديث، توسط نگارنده صورت گرفته است.

فدعى النجاشى السحرة فقال لهم: اعملوا به شيئاً أشد عليه من القتل. فأخذوه و نفخوا فى إحليله الزبيق، فصار مع الوحش يغدوا و يروح و كان لا يأنس بالناس، فبعث قريش بعد ذلك فكمنوا له فى موضع حتى ورد الماء مع الوحش فأخذوه، فما زال يضطرب فى أيديهم و يصيح حتى مات، و رجع عمرو الى قريش فأخبرهم ان جعفرأ فى أرض الحبشة فى أكرم كرامة، فلم يزل بها حتى هادن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم قريشاً و صالحهم و فتح خيبراً، فوافى بجميع من معه و ولد لجعفر بالحبشة من أسماء بنت عميس عبد الله بن جعفر، و ولد للنجاشى ابن فسماه النجاشى محمداً و كانت أم حبيب بنت أبى سفيان تحت عبد الله. فكتب رسول الله صلى الله عليه و آله الى النجاشى يخطب أم حبيب.

فبعث إليها النجاشى. فخطبها لرسول الله فأجابته فزوجها منه و أصدقها أربعمائة دينار، و ساقها عن رسول الله، و بعث إليها بثياب و طيب كثير و جهزها و بعثها الى رسول الله صلى الله عليه و آله و بعث اليه بمارية القبطية أم إبراهيم، و بعث اليه بثياب و طيب و فرس، و بعث ثلثين رجلاً من القسيسين، فقال لهم: انظروا الى كلامه و الى مقعده و مشربه و مصلاه، فلما وافوا المدينة دعاهم رسول الله الى الإسلام و قرأ عليهم القرآن: «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَ عَلَى وَالِدَتِكَ» الى قوله (١/٦٦٣) «فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (مائده/١١٠)، فلما سمعوا ذلك من رسول الله بكوا و آمنوا و رجعوا الى النجاشى فأخبروه خبر رسول الله و قرءوا عليه ما قرأ عليهم رسول الله صلى الله عليه و آله. فبكى النجاشى و بكى القسيسون، و أسلم النجاشى و لم يظهر للحبشة إسلامه و خافهم على نفسه فخرج من بلاد الحبشة يريد النبى صلى الله عليه و آله و سلم فلما عبر البحر توفى، فأنزل الله على رسوله: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ» الى قوله: «ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ»^١.

* ترجمه متن: در تفسیر علی بن ابراهیم: و اما این گفته [خداوند تبارک و تعالی] «بطور مسلم، دشمنترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت و نزدیکترین دوستان به مؤمنان را کسانی می یابی که...» میگویند: همانا نصاری سبب نزول آن بود به خاطر آنچه که قریش در آزار و اذیت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و یاران ایشان سخت گیری کردند و آنان را مورد آزار و اذیت قرار دادند، پیامبر به آنها فرمود به حبشه مهاجرت کنند، و دستور داد تا جعفر نیز با آنان هجرت کند، جعفر هم با هفتاد نفر از مکه بیرون شدند و با کشتی به حبشه رفتند.

^١ - قمی، ج ١، ص ١٧٩-١٧٦. همچنین این روایت در منابع محدود دیگری آمده است، مانند: مجلسی، ج ١٨، ص ٤١٧-٤١٤، ری شهری، ج ٤، ص ٣٤٢-٣٤٤، هر دو به نقل از قمی، فیض کاشانی، الصافی، ج ٢، ص ٧٩-٧٧، بدون اشاره به قمی.

هنگامی مشرکین از این موضوع مطلع شدند، و پس از رفتن آنان عمرو بن عاص و عماره بن ولید را بطرف نجاشی فرستادند، تا نجاشی مهاجرین را به ایشان برگرداند و عمرو و عماره دشمن هم بودند پس [سران] قریش گفتند: پس چگونه دو نفر که دشمنند را بفرستیم؟ پس بنو مخزوم عماره را از اتهام خلاص نمود و بنو سهم عمرو بن عاص را از اتهام خلاص نمود.

در این هنگام عماره بن ولید که جوانی خوش صورت و زیبا و عیاش و خوش گذران بود بطرف حبشه بیرون شد، و عمرو عاص هم به اتفاق زوجه اش با او همراه گردید، هنگامی که سوار کشتی شدند شراب خوردند، عماره گفت: بزوجهات بگو مرا ببوسد، عمرو عاص گفت: آیا این مجاز است! منزه است خداوند؟! پس از این سکوت کرد تا عمرو از باده مست گردید.

عماره بن ولید از جای برخاست و عمرو عاص را بدریا افکند، در این موقع عمرو به اطراف کشتی متشبه شد، مسافری او را کمک کردند و از دریا بیرون نمودند.

موقعی که بر نجاشی وارد شدند، مقداری هدایا نیز با خود داشتند، پس آن هدایا را از ایشان پذیرفت پس عمرو گفت: ای ملک عده ای از خویشاوندان ما با دین و عقیده ما مخالفت کردند و نزد شما آمدند، اکنون آنها را بما بازگردان، نجاشی فرستاد جعفر را حاضر کردند و گفت:

یا جعفر! اینها چه میگویند؟ و جعفر گفت ای پادشاه چه می گویند؟ گفت: می خواهند من شما را به آنان تحویل دهم.

جعفر گفت: ای ملک از اینها بپرس آیا ما عبد آنها هستیم؟ عمرو گفت: اینها آزاد هستند و از بزرگان ما میباشند، بار دیگر جعفر گفت: از اینها بپرس آیا آنان از ما مطالباتی دارند؟ گفت: ما از این اشخاص طلبی نداریم، گفت: از اینها سؤال کن که ما از خویشاوندان آنان کسی را کشته ایم که از ما خون آنها را می خواهند؟ عمرو گفت: ما از اینها خونی طلب نداریم.

جعفر گفت: پس شما از ما چه می خواهید؟! عمرو عاص گفت: اینها با دین ما مخالفت کردند و خدایان ما را فحش دادند، و جوانان ما را از راه بیرون نمودند و اجتماع ما را از هم پراکنده ساختند، اکنون اینها را به مملکت خودمان برگردان تا با هم زندگی کنیم.